



حق و باطل

کلیدواژه: حق و باطل، [قرآن مجید](#).

پرسش: حق و باطل در قرآن کریم چگونه معرفی شده است؟

پاسخ: [حق](#) به معنای مطابقت با واقعیت، هماهنگی و درستی است؛ و باطل چیزی است که حقیقت و ثباتی ندارد. باطل در برابر حق قرار دارد و نقیض آن محسوب می‌شود. در [قرآن کریم](#) ویژگی‌های متعددی از حق و باطل بیان شده است که مجموع آن تصویر روشنی از حق و باطل را ترسیم می‌نماید. برخی از این ویژگی‌ها، عبارت‌اند از: حق تنها متعلق به خداست، ثبات و [استقلال](#) حق و متزلزل بودن [باطل](#)، حق باقی و باطل زائل‌شدنی است، بصیرت‌زایی حق، میزان بودن حق.

فهرست مندرجات

- ۱- [حق و باطل در زندگی انسان](#)
- ۲- [حق و باطل در قرآن](#)
- ۳- [حق](#)
- ۴- [باطل](#)
- ۵- [ویژگی‌های حق و باطل](#)
 - ۵.۱- [تعلق داشتن به خداوند](#)
 - ۵.۲- [خود اتکالی حق](#)
 - ۵.۲.۱- [سخن خداوند متعال](#)
 - ۵.۲.۲- [بهره بردن باطل از نیروی حق](#)
 - ۵.۳- [بقای حق و زوال باطل](#)
 - ۵.۴- [بصیرت‌زایی حق](#)
 - ۵.۴.۱- [مُهر شدن دل‌های کافران](#)
 - ۵.۵- [میزان](#)
 - ۵.۵.۱- [سخن خداوند متعال](#)
 - ۵.۵.۲- [مراد از جمله «و الوزن یومئذ الحق»](#)
- ۶- [نتیجه بحث](#)
- ۷- [پانویس](#)
- ۸- [منبع](#)

حق و باطل در زندگی انسان

حق و باطل از واژه‌های پر کاربرد در [زندگی](#) بشر است که از دیرباز و از زمانی که تقابل میان [هابیل و قابیل](#) (فرزندان [حضرت آدم](#)) رخ داد، به‌گونه‌ای جدی در حوزه [زندگی](#) بشر ظهور داشته است. انسان به‌طور فطری و براساس کمال‌جویی‌اش گرایش به [حق](#) داشته و از باطل گریزان بوده و همواره با آن در ستیز است؛ زیرا حق با خود [کمال](#) و پایداری را همراه دارد و مبتنی بر هدف [خلقت](#) اوست و باطل نقص و عدم ثبوت را دربر دارد و اساساً در مقابل کمال‌خواهی فطری بشر قرار گرفته است.

حق و باطل در قرآن

مفهوم حق و باطل از جمله مفاهیم بسیار مهم در [قرآن کریم](#) بوده که در آیات مختلف بدان اشاره شده است. قرآن با توجه به این‌که متنی و حیاتی است و از سوی خداوند و توسط پیامبرش به‌عنوان دستورالعمل زیستن برای انسان‌ها نازل شده است، تصویری مشخص از دو مفهوم حق و باطل ارائه نموده که می‌تواند با توجه به آنها راهبرد متفاوتی را در [کمال انسانی](#) اتخاذ نمود. بنابراین شایسته است پیش از ارائه تصویر و ویژگی‌های حق و باطل از منظر قرآن کریم نخست به تعریف لغوی و اصطلاحی این دو واژه بپردازیم.

حق

اصل «حق» مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است؛ مثل مطابقت پایه درب درحالی‌که در پاشنه خود با استواری و درستی

می‌چرخد و می‌گردد.

[۱۱] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه، تحقیق، خسروی، غلامرضا، چاپ دوم، ج ۱، ص ۵۱۸، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

[۱۲] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۲۲۶.

بنابراین وقتی از حق **سیخن** گفته می‌شود، به معنای بیان واقعیتی است که با وجود و عین آن نیز انطباق کامل دارد و این درست در برابر چیزی است که امری غیر واقعی می‌باشد. به عبارت دیگر، حق به معنای ثبوت و واقعیت داشتن است و در کلام **خداوند متعال** در مقابل باطل و ضلال استعمال می‌شود؛ زیرا باطل آن چیزی است که برای آن ثبوت و واقعیت نباشد و ضلال، عبارت است از **انحراف** و خروج از برنامه حق و راه صحیح.

[۱۳] مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۵۸، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.

[۱۴] مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۸۹، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.

بر این اساس مفهوم «حق» بر ثبوت پایداری و صحت استوار است.

باطل

باطل در برابر حق قرار دارد و نقیض آن محسوب می‌شود و به معنای چیزی است که حقیقت و واقعیت ندارد. در واژه‌نامه مفردات آمده است باطل نقیض و مقابل حق است؛ یعنی چیزی که به هنگام بحث و تحقیق حقیقتی و ثباتی ندارد.

[۱۵] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه، تحقیق، خسروی، غلامرضا، چاپ دوم، ج ۱، ص ۲۸۰، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

[۱۶] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۱۲۹.

ویژگی‌های حق و باطل

برای این‌که بتوانیم تصویری روشن از حق و باطل را از منظر قرآن کریم به دست آوریم، بدیهی است که باید ویژگی‌های این دو مفهوم را در **آیات الهی** ملاحظه نماییم. در بررسی و **مطالعه** در آیات **قرآن** به چند ویژگی قابل توجه پی می‌بریم که به شرح زیر است.

← تعلق داشتن به خداوند

أحقّ تنها متعلق به خداوند است؛ از منظر قرآن کریم حق مطلق تنها اوست و غیر او محدود و نیازمند است، پس آن حقیقتی که قرآن پدای شهادت می‌دهد، فقط خداوند است و هر آنچه غیر اوست، زائل است. مفهوم این جمله به‌خوبی در این **آیه** شریفه پیداست: «ذَلِكَ يَأْتِ اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّ الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛

[۱۷] حج (۲۳)، آیه ۶۲.

(آری)، این بدان سبب است که **خدا** خود حق است و آنچه به جای او می‌خوانند آن باطل است، و این خداست که والا و بزرگ است.

براین اساس هر آنچه با خداوند ارتباط دارد به اندازه‌ای که از خشنودی خداوند برخوردار است، حق است و به اندازه دوری و بیگانگی از خدا و تهی بودن از خشنودی خدا باطل است. پس آنچه ریشه‌اش خدایی باشد، حق است و آنچه ریشه‌ای غیر خدایی داشته باشد، باطل است.

← خود انکایی حق

حق ثبوت و استقرار دارد و به استواری خود متکی است؛ اما باطل اصلاتی از خود ندارد. باطل به تبع و طفیل حق ظهور می‌کند و با نیروی حق حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، نیروی باطل متعلق خودش نیست؛ بلکه آن نیرو اصلتاً برای حق است. کفی که روی **آب** است، با نیروی آب حرکت می‌کند؛

[۱۸] مطهری، مرتضی، حق و باطل، ص ۵۲، صدرا، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲ ش.

← سخن خداوند متعال

کفی که روی آب است، با نیروی آب حرکت می‌کند؛

«خداوند از **آسمان** آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه (در کوره‌ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل **زندگی**، **آتش** روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید. خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند. اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند؛ ولی آنچه به مردم سود می‌رساند (آب یا فلز خالص) در **زمین** می‌ماند، خداوند این‌چنین مثال می‌زند».

[۱۹] **رعد** (۱۳)، آیه ۱۷.

← بهره بردن باطل از نیروی حق

پس چون باطل بر خود متکی نیست، بنابراین زائل شدنی است و توانی ندارد. براین اساس می‌توان گفت باطل همیشه از نیروی حق

استفاده می‌کند. اگر در **عالم** راستی وجود نداشته باشد، **دروغ** نمی‌تواند وجود داشته باشد.
[\[۱۱\] مطهری، مرتضی، حق و باطل، ص ۵۴، صدر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.](#)

به بیانی دیگر، حق همیشه متکی به خود است؛ اما باطل از آبروی حق مدد می‌گیرد و سعی می‌کند خود را به لباس او درآورد و از حیثیت او استفاده کند. همان‌گونه که هر دروغ از راست فروغ می‌گیرد، که اگر سخن راستی در **جهان** نبود، کسی هرگز دروغی را باور نمی‌کرد و اگر جنس خالصی در جهان نبود، کسی فریب جنس تقلبی را نمی‌خورد، بنابراین حتی فروغ زودگذر باطل و آبرو و حیثیت موقت او به **برکت** حق است، اما حق همه جا متکی به خویش است.
[\[۱۱\] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۶۷، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۰ش.](#)

← بقای حق و زوال باطل

حق باقی و باطل زائل‌شدنی است؛ در برخورد حق و باطل، همواره حق پیروز است؛ زیرا حق اصیل و باطل غیر اصیل است. همیشه بین امر اصیل و غیر اصیل اختلاف و جنگ بوده است؛ ولی این‌طور نیست که **حق** همیشه مغلوب باشد و باطل همیشه غالب. آن چیزی که استمرار داشته و زندگی و **تمدن** را ادامه داده، حق بوده است و باطل نمایشی بوده که جرقه‌ای زده، بعد خاموش شده و از بین رفته است.
[\[۱۲\] مطهری، مرتضی، حق و باطل، ص ۳۶-۳۵، صدر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.](#)

جنگ میان حق و باطل همیشه وجود داشته است. باطل به‌طور موقت روی حق را می‌پوشاند؛ ولی آن نیرو را ندارد که بتواند به‌صورت دائم باقی بماند و عاقبت کنار می‌رود. هر وقت جامعه‌ای در مجموع به باطل گرایید، محکوم به **فنا** شده است.
[\[۱۳\] مطهری، مرتضی، حق و باطل، ص ۳۷، صدر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.](#)

← بصیرت‌زدایی حق

حق، بصیرت‌زایی دارد؛ یکی دیگر از ویژگی‌های حق، بصیرت‌زایی و بصیرت‌افزایی است. حق، راه را برای انسان معین می‌کند. حق‌گرایان راهشان براساس معارف الهی است و بدین سبب مسیر ایشان روشن است. درحالی‌که باطل و باطل‌گرایان در تاریکی و نابینایی به سر می‌برند؛ زیرا باطل آدمی را دچار جهل و نادانی می‌کند و پرده بر دیدگان **انسان** می‌افکند تا حقایق را نبیند. این تاریکی باعث می‌شود تا کسانی که در مسیر باطل هستند نتوانند حق را تشخیص دهند و در **جهل** خود فرو روند.

← مَهر شدن دل‌های کافران

از نظر قرآن دل‌های کافران که در باطل گرفتار شده‌اند، به سبب بدرفتاری و بدذاتی ایشان، مهر شده و دیگر نمی‌توانند حق را از باطل تشخیص دهند؛ بلکه حتی اگر تشخیص دادند، به‌سوی باطل گرایش می‌یابند؛ «ما برای مردم در این **قرآن** از هرگونه مثال و مطلبی بیان کردیم و اگر آیهای برای آنان بیاوری، کافران می‌گویند: «شما اهل باطلید (و این‌ها سحر و جادو است)»؛
[\[۱۴\] روم \(۲۰\)، آیه ۵۸.](#)

یعنی آنچه که خداوند متعال توسط پیامبرانش شاهد و دلیل می‌آورد، **کافران** آن را نمی‌پذیرند؛ چون در مسیر درستی قرار ندارند و عدم توجه به حق، دل ایشان را روشن نکرده و بصیرتشان را افزایش نداده است و تنها حق‌گرایی است که باعث **بصیرت** و ارتقای آن می‌شود.

← میزان

از دیگر ویژگی‌های حق که تصویر آن را از منظر قرآن روشن‌تر می‌کند، میزان قرار گرفتن حق در قضاوت‌ها و رفتارهای انسان می‌باشد. به عبارت دیگر، حق همواره باید در مرکز همه امور بشر قرار گیرد تا او را به **کمال** برساند. قرآن کریم میزان و سنجش **اعمال** را حق می‌داند و بر این اساس حقانیت انسان‌ها در روز محاسبه مشخص می‌شود.

← سخن خداوند متعال

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْوِزْنَ بِوَمِئِذِ الْحَقِّ فَمَنْ تَعَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ «و وزن کردن (اعمال و سنجش ارزش آنها) در آن **روز** حق است، کسانی که میزان‌های (**عمل**) آنها سنگین است رستگاران‌اند».
[\[۱۵\] اعراف \(۷\)، آیه ۸.](#)

← مراد از جمله «و الوزن يومئذ الحق»

مراد از جمله «و الوزن يومئذ الحق» این است که آن وزنی که در **قیامت** اعمال با آن سنجیده می‌شود «حق» است؛ به این معنا که هرقدر **عمل** مشتمل بر حق باشد، به همان اندازه اعتبار و **ارزش** دارد؛ چون اعمال نیک مشتمل بر حق است؛ از این‌رو دارای **ثقل** است. برعکس عمل بد از آن‌جا که مشتمل بر چیزی از حق نیست و باطل صرف است؛ لذا دارای وزنی نیست، پس **خدا** **سیحان** در **قیامت** اعمال را با «حق» می‌سنجد و وزن هر عملی به مقدار حقی است که در آن است.

[\[۱۶\] طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه، موسوی همدانی، سید مجدباقر، ج ۸، ص ۱۲۱۱، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ نوزدهم، ۱۴۱۷ق.](#)

موارد فوق‌الذکر تنها بخشی از ویژگی‌های حق و باطل است که در قرآن ذکر شده که تصویر این دو واژه را ترسیم می‌نماید. حق تنها از آن خداوند است و به خود اتکا دارد؛ ولی باطل همواره در تزلزل و امحاست. در قرآن همواره صف حق‌گرایان از باطل‌اندیشان جداست و [باطل](#) مانند کف روی آب توصیف می‌شود. واضح است که کف رفتنی، ولی آب زلال ماندنی است؛ هرچند که گاهی از اوقات کف، چهره آب گوارا را بپوشاند، اما ثبات و استواری حق هرگز پنهان نخواهد ماند. تصویر حق در قرآن مسیری برای رسیدن به [توحید](#) است. مسیری که [پیامبران الهی](#) و اولیای حق در این راه همواره گام برداشته‌اند.

پانویس

۱. [↑](#) [راغب اصفهانی، حسین بن مجد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه، تحقیق، خسروی، غلامرضا، چاپ دوم، ج ۱، ص ۵۱۸، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ش.](#)
۲. [↑](#) [راغب اصفهانی، حسین بن مجد، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۲۴۶.](#)
۳. [↑](#) [مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۵۸، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.](#)
۴. [↑](#) [مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۸۹، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.](#)
۵. [↑](#) [راغب اصفهانی، حسین بن مجد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه، تحقیق، خسروی، غلامرضا، چاپ دوم، ج ۱، ص ۲۸۰، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ش.](#)
۶. [↑](#) [راغب اصفهانی، حسین بن مجد، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۱۲۹.](#)
۷. [↑](#) [حج \(۲۳\)، آیه ۶۲.](#)
۸. [↑](#) [مطهری، مرتضی، حق و باطل، ص ۵۲، صدرا، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.](#)
۹. [↑](#) [رعد \(۱۳\)، آیه ۱۷.](#)
۱۰. [↑](#) [مطهری، مرتضی، حق و باطل، ص ۵۴، صدرا، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.](#)
۱۱. [↑](#) [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۶۷، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۰ش.](#)
۱۲. [↑](#) [مطهری، مرتضی، حق و باطل، ص ۳۵ ۲۶، صدرا، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.](#)
۱۳. [↑](#) [مطهری، مرتضی، حق و باطل، ص ۳۷، صدرا، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲ش.](#)
۱۴. [↑](#) [روم \(۳۰\)، آیه ۵۸.](#)
۱۵. [↑](#) [اعراف \(۷\)، آیه ۸.](#)
۱۶. [↑](#) [طباطبایی، سید مجد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه، موسوی همدانی، سید مجدباقر، ج ۸، ص ۱۲۱۱، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ نوزدهم، ۱۴۱۷ق.](#)

منبع

[بانگاه اسلام کوئست، برگرفته از مقاله «حق و باطل»، تاریخ بازبینی ۲۳/۱۰/۱۳۹۵.](#)

رده‌های این صفحه: [قرآن شناسی](#) | [واژگان قرآنی](#)